



## سرمایه اجتماعی پیشران قدرت اجتماعی

محمد رحیم عیوضی؛ استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد. تهران.<sup>۱</sup>

زهره همتی؛ دانشجوی دکتری علوم سیاسی. دانشگاه اصفهان.<sup>۲</sup>

محمد باوندپوری؛ دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای. دانشگاه جامع امام حسین(ع).<sup>۳</sup> (نویسنده مسئول)

### چکیده؛

سرمایه‌ی اجتماعی از جمله مفاهیم چند وجهی در علوم اجتماعی است که در دنیای امروز می‌باشد که دارای نقش و اهمیت زیادی در تقویت و ارتقاء قدرت اجتماعی و حفظ انسجام و همبستگی جوامع می‌باشد. اهمیت این مسئله به نحوی است که جامعه‌ای که از سرمایه اجتماعی کافی و مناسبی برخوردار نباشند، سایر سرمایه‌ها نیز ابرتر می‌مانند و تلف می‌شوند. در واقع در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار خواهد بود.

با این وجود پرداختن به این موضوع و کاوش در زمینه چگونگی رشد و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و همچنین تاثیر آن در ارتقاء قدرت اجتماعی امر لازم و ضروری به نظر می‌رسد. و لذا در این پژوهش به دنبال دست یافتن به این مسئله هستیم که در واقع سرمایه اجتماعی به عنوان یک پیشران، در ارتقاء و رشد قدرت اجتماعی چه نقشی ایفا می‌نماید. که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و نیز بکارگیری روش تحلیلی-توصیفی به این مهم پرداخته شود. در کنار آن یافته‌های پژوهشی نیز حکایت از آن دارد که سرمایه اجتماعی در واقع به عنوان یک پیشران در ارتقای قدرت اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌نماید.

کلیدواژه؛ سرمایه اجتماعی، قدرت اجتماعی، پیشران، انسجام اجتماعی، امام خمینی(ره).

<sup>۱</sup> danesh.mr@yahoo.com.

<sup>۲</sup> z.hemmati1421@yahoo.com.

<sup>۳</sup> bavand.mohammad@yahoo.com.

آنچه مسلم است اینکه انسان به طور ذاتی در تعامل با دیگران نیازهای خود را برطرف ساخته و گذران امور می‌کند. اثرات این کنش‌های متقابل در نقش آنها تا حدی است که حذف آن، زندگی را غیر ممکن می‌سازد. اما در این میان دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی کنجکاوانه در جوامع به شناسایی این کنش‌ها پرداخته و به مجموع عواملی پی برده‌اند که آن را سرمایه اجتماعی نامیده‌اند. در واقع سرمایه اجتماعی از مفاهیم جدید در علوم اجتماعی است که در نیمه دوم قرن بیستم در کنار سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و نمادین، مطرح شد. مفهوم سرمایه اجتماعی با مفاهیم سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین هم‌پوشانی و تشابه قابل توجهی دارد که برای اولین بار توسط بوردیو مطرح شدند. (نقیب زاده و استوار، ۱۳۹۱: ۷) به بیان دیگر مفهوم سرمایه اجتماعی در برگزیده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می‌دهند و آنها را در جهت دستیابی به هدف‌های ارزشمند هدایت می‌کند.

از این رو شناخت عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی می‌تواند در گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی کمک کرده و موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی افراد در جوامع شود. مفهوم سرمایه اجتماعی که صبغه جامعه‌شناسانه دارد، بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود. بنابراین در صورتی که در اثر تلاش علمی و رفتارهای نظام‌مند و معطوف به ارزش دستگاه‌های فرهنگی، میراث فرهنگی را به سرمایه اجتماعی تبدیل کنند و اعتماد بین دولت و ملت را تقویت نمایند، ضمن اینکه جامعه در مسیر توسعه و پیشرفت قرار خواهد گرفت، در عین حال سرمایه اجتماعی به عنوان پیشران ارتقای قدرت اجتماعی عمل می‌کند. در هر صورت نقش و جایگاه سرمایه اجتماعی در ارتقای قدرت اجتماعی مسئله اصلی این پژوهش است که تلاش می‌شود با استفاده از منابع مختلف کتابخانه‌ای و اینترنتی و نیز بکارگیری روش تحلیلی - توصیفی به این مهم پرداخته شود. در این پژوهش سعی می‌شود ابتدا یک مفهوم شناسی کلی از مبحث سرمایه اجتماعی صورت گیرد و بعد به عوامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی، انواع آن و نیز نظریات مطرح پیرامون سرمایه اجتماعی و همچنین سطوح سرمایه اجتماعی، اهمیت آن و نیز ارتباط مابین سرمایه اجتماعی و قدرت اجتماعی پرداخته می‌شود. در پایان نیز جمع بندی کلی از مباحث انجام می‌گیرد.

## مفهوم سرمایه اجتماعی؛

سرمایه اجتماعی دربرگیرنده موجودیت‌های مختلفی است که تمامی آنها در دو عنصر مشترک هستند، یعنی همه آنها جنبه‌ای از ساخت اجتماعی را در خود دارند و واکنش معینی از کنشگران را درون این ساختار تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی همانند دیگر اشکال سرمایه مولد است. سرمایه اجتماعی برخلاف اشکال دیگر سرمایه، در ذات ساختار روابط میان کنشگران وجود دارد. "کلمن" پس از این تعریف از سرمایه اجتماعی، مجموعه‌های مختلفی از کنشها، پیامدها و روابط را سرمایه اجتماعی می‌نامد. از نظر او سرمایه اجتماعی ذاتاً قادر به کار است و سرمایه اجتماعی هر آن چیزی است که به مردم و نهادها امکان عمل می‌دهد. سرانجام این که سرمایه اجتماعی از نظر کلمن به لحاظ هنجاری و اخلاقی خنثی است. یعنی نه مطلوب است و نه نامطلوب و صرفاً با فراهم کردن منابع لازم، وقوع کنش‌ها را امکان پذیر می‌سازد. (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲)

همچنین سرمایه اجتماعی را می‌توان به مثابه وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد. (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱) ولی در هر حال امروزه سرمایه اجتماعی نقشی بسیار

مهمتر از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع ایفا می کند و شبکه های روابط جمعی و گروهی انسجام بخش میان انسان ها و سازمان هاست. از این رو در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه ها اثربخشی خود را از دست می دهند و بدون سرمایه اجتماعی پیمودن راه های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می شود. در دیدگاه های سنتی مدیریت توسعه، سرمایه های اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی مهمترین نقش را ایفا می کردند اما در عصر حاضر برای توسعه بیشتر از آنچه به سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی نیازمند باشیم به سرمایه اجتماعی نیازمندیم زیرا بدون این سرمایه، استفاده از دیگر سرمایه ها به طور بهینه انجام نخواهد شد. در جامعه ای که فاقد سرمایه اجتماعی کافی است سایر سرمایه ها ابتر می مانند و تلف می شوند. از این رو موضوع سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل اساسی برای نیل به توسعه پایدار محسوب شده و حکومت ها و دولتمردانی موفق قلمداد می شوند که بتوانند با اتخاذ سیاست های لازم و ارائه راهکارهای مناسب در ارتباط با جامعه به تولید و توسعه سرمایه اجتماعی بیشتر نائل شوند. (مبشری، ۱۳۸۷: ۱۶)

### عوامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی؛

اما مجموع عواملی که می توانند در ساخت سرمایه اجتماعی تاثیرگذار می باشند را می توان به چهار دسته تقسیم نمود:

۱. عوامل نهادی: نهاد به معنای قانون، رسم، عرف، عادت و یا سازمانی است که در زندگی سیاسی یا اجتماعی مردم، مؤثر واقع می شود و نظام هدف داری را در جهت رفع نیازهای یک اجتماع سازمان یافته، ایجاد می کند، مانند: دولت که از طریق وضع قوانین و ایجاد نظام هدفدار، موجب تشکیل سرمایه اجتماعی می شود.

۲. عوامل خودجوش: هنجارهایی که به صورت خودجوش، به جای قانون و دیگر نهادهای رسمی، از کنش های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می آیند و ناشی از انتخاب های تعمّدی نیستند، در این دسته قرار می گیرند.

۳. عوامل بیرونی: منظور از این دسته عوامل، هنجارهایی هستند که از جایی، غیر از همان اجتماعی که در آن به کار رفته اند، سرچشمه می گیرند، همچون: دین، مذهب، ایدئولوژی و فرهنگ یا تجربه مشترک تاریخی.

۴. عوامل طبیعی: در این گروه، دو دسته از عوامل: «روابط خویشاوندی» و «همبستگی های قومی و نژادی» قرار می گیرند.

### انواع سرمایه اجتماعی؛

سرمایه اجتماعی، در چند نوع مختلف تقسیم بندی شده است. که شامل سرمایه اجتماعی شناختی، ساختاری، درون گروهی و برون گروهی می باشد.

#### ۱. سرمایه اجتماعی شناختی؛

این نوع از سرمایه شامل تجلیات انتزاعی تر سرمایه اجتماعی است که به ایجاد و تقویت وابستگی متقابل مثبت برای کنش جمعی دو طرفه می انجامد. شاخص هایی از قبیل تضاد، اعتماد عمومی و نهادی، انسجام و همبستگی، همکاری و مشارکت غیررسمی همیارانه و خیریه ای و مذهبی و

شرکت در اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌ها و موسسات مدنی رسمی، آگاهی به امور عمومی- سیاسی و اجتماعی، گذشت، فرهنگ مدنی، هنجارها و ارزش‌هایی که بین اعضای یک اجتماع مشترک می‌باشد و باعث همکاری افراد آن اجتماع با همدیگر برای رسیدن به منافع مشترک می‌شود، از شاخصه‌های سرمایه اجتماعی شناختی هستند.

## ۲. سرمایه اجتماعی ساختاری؛

این نوع از سرمایه شامل جنبه‌های قابل رؤیت و قابل لمس تر مفهوم سرمایه اجتماعی است که کنش جمعی و منافع دو طرفه را تسهیل می‌کند. شاخصه‌هایی از قبیل عضویت گروهی، حمایت متقابل، تفاوت و خدمات، نهاد های محلی، سازمان‌ها و شبکه‌های موجود در میان مردم که قادر به پیگیری اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از شاخصه‌های سرمایه اجتماعی ساختاری می‌باشند. این نوع سرمایه اجتماعی باعث ایجاد روابط افقی و عمودی در جامعه می‌گردد و از این طریق سرمایه اجتماعی کل جامعه را تقویت می‌نماید.

## ۳. سرمایه اجتماعی درون گروهی؛

سرمایه اجتماعی درون گروهی تنها گروه‌های همجنس (مانند ارتباطات محدود با دوستان و خانواده) را پیوند می‌زند و اثر منفی بر معاشرت پذیری اجتماعی دارد.

## ۴. سرمایه اجتماعی برون گروهی؛

سرمایه ی برون گروهی پل ارتباطی گروه‌های اجتماعی گوناگون (تعامل افراد با خارج از محیط بسته) است و اثر مثبت بر رشد و سرمایه اجتماعی دارد.

## نظریه پردازان سرمایه اجتماعی و پیشینه نظری آن؛

در ارتباط با سرمایه اجتماعی از سوی اندیشمندان و جامعه‌شناسان مختلف نظریات مطرح شده است، که هر کدام به نحوی سعی در تبیین این مولفه داشته‌اند. در اینجا تلاش بر آن است که به مهم‌ترین آنها پرداخته شود. اما در کل اصطلاح سرمایه اجتماعی قبل از سال ۱۹۱۶، در مقاله ای توسط هانی فان از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد. اما اولین بار در سال ۱۹۶۱، کتابی در آمریکا بوسیله شخصی به نام ژان ژاکوب نوشته شد که این اصطلاح سرمایه ی اجتماعی را بکار برد و منظورش این بود که در حاشیه‌نشین‌های شهر، ویژگی‌ها و خصلت‌هایی وجود دارند که آنها می‌توانند به خوبی با همدیگر ارتباط برقرار کنند و گروه‌هایی را تشکیل دهند که خودشان مسائل و مشکلاتشان را حل کنند. در اصل، منظور از سرمایه ی اجتماعی، نوعی همکاری و هم‌فکری خودجوش و از درون گروه‌های محروم حاشیه نشین بود. (توسلی، ۱۳۸۴: ۲) بنابراین اصطلاح سرمایه اجتماعی نخستین بار در اثر کلاسیک جین جاکوب با عنوان «مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکایی» به کار رفته است. وی معتقد است که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسئولیت بیش تری از خود نشان می‌دهند. با این حال کاربرد مفهوم سرمایه ی اجتماعی بصورت آنچه که امروزه مدنظر است به تدریج در دهه ۱۹۹۰ رایج شده است اما این بدان معنا نیست که در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک اثری از این مفهوم نباشد، در آثار اندیشمندان و جامعه‌شناسانی چون مارکس، وبر و دورکیم می‌توان به جستجوی این مفهوم پرداخت. اندیشمندی چون مارکس، زیمیل دورکیم، وبر و پارسونز به مفاهیمی همچون اضطرار، نفع جمعی، ارزشها و اعتماد اجتماعی توجه داشته‌اند که هر یک ابعادی از مفهوم سرمایه ی اجتماعی را در بر می‌گیرد. (توسلی، ۱۳۸۴، ۳) در این رابطه امروزه نیز اندیشمندان بسیار در حوزه جامعه‌شناسی به بررسی مبحث سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. که از آن جمله می‌توان به جیمز کلمن، پیربودریو، جورج زیمیل، هربرت بلومر، آنتونی گیدنز، فرانسیس فوکویاما و نیز رابرت پانتام اشاره نمود. که در ادامه به بررسی دیدگاه‌های آنها خواهیم پرداخت.

**جیمز کلمن؛** از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی شی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها شامل جنبه ای از یک ساخت اجتماعی هستند، و کنشهای معین افرادی را که در درون ساختار هستند، تسهیل می کنند. سرمایه اجتماعی، مانند شکل های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف های معینی را که در نبود آن دست یافتنی نخواهد بود امکان پذیر می سازد. (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲)

به اعتقاد کلمن سرمایه اجتماعی از طریق کارکردش تعریف می شود. یک هستی منفرد نیست، بلکه تنوعی از هستی های متفاوتی است که دارای دو خصوصیت مشترک هستند: همگی دارای وجوهی از یک ساختار اجتماعی هستند و همگی کنش های خاصی از افراد داخل ساختار را تسهیل می کنند. (فیلد، ۱۳۸۶: ۴۶) به اعتقاد وی، سرمایه اجتماعی می تواند به سه شکل ظاهر شود: اول- تکالیف و انتظاراتی که بستگی به میزان قابلیت اعتماد به محیط اجتماعی دارد، دوم- ظرفیت اطلاعات برای انتقال و حرکت در ساختار اجتماعی تا بتوان پایه ای برای کنش فراهم نمود، سوم- وجود هنجارهایی که توأم با ضمانت اجرایی موثر هستند. براین اساس کلمن معتقد است که سرمایه اجتماعی متعلق به تعامل اجتماعی است. (تنهایی و حضرتی، ۱۳۸۸: ۴۵)

**پیر بوردیو؛** به اعتقاد بوردیو سرمایه اجتماعی چیزی است که در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد. به تعبیر بوردیو، سرمایه اجتماعی محصول نوعی سرمایه گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت یا بازتولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه مدت یا بلندمدت قابل استفاده هستند. برای او، پیوندهای بادوام و مترآم از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که میزان سرمایه اجتماعی هر فرد بستگی به تعداد روابط و میزان سرمایه (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) تملک شده توسط هر رابطه دارد. (Field, 2003: 17)

در واقع عاملان اجتماعی در بعد اول بر اساس میزان کلی سرمایه ای که در شکل های متفاوت آن دارا هستند، و در بعد دوم بر اساس ساختار سرمایه شان، یعنی بر اساس وزن نسبی هر یک از انواع مختلف سرمایه، اقتصادی و فرهنگی، که به صورت جداگانه دارا هستند، توزیع می شود. (بوردیو، ۱۳۸۴: ۳۳-۳۴) از دیدگاه پیربوردیو سرمایه اجتماعی، ماحصل منابع واقعی یا ظرفیت‌هایی است که در فرآیند روابط نهادینه شده و شبکه ای عضویت در گروه و آشنایی با اعضا شکل می گیرد. به طوریکه در این شبکه هر یک از اعضا، خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می کند. پس سرمایه اجتماعی نوعی ابزار دسترسی به منابع اقتصادی و فرهنگی از طریق ارتباطات اجتماعی است. تاکید بوردیو بر مشارکت فرد در شبکه های اجتماعی است که این مشارکت سبب دسترسی او به منابع و امکانات گروه می شود. در دیدگاه بوردیو، سرمایه اجتماعی نوعی محصول اجتماعی است که ناشی از تعامل اجتماعی می باشد. (انجمن جامعه شناسی ایران، ۱۳۸۳: ۳۰۰)

**جورج زیمل؛** زیمل معتقد بود که ساختار جامعه، ترکیب یافته از واقعیت های دوگانه ای است که در برابر هم معنی می گیرند، و گاه ممکن است این تقابل، نشان دهنده دو دوره از تکامل تاریخ باشد، ولی، درک هر کدام مستلزم درک دیگری، و درک کلیت و تمامیت جامعه نیز مستلزم درک روابط دیالکتیک این اجزاء دو گانه است. (تنهایی، ۱۳۷۹: ۳۱۲) زیمل معتقد است، جامعه بافتی از کنش های متقابل و الگودار است و وظیفه جامعه شناسی بررسی صورتهای این کنش ها است، همچنان که در دوره های گوناگون تاریخی و در زمینه های متنوع فرهنگی پیوسته رخ می دهند. (کوزر، ۱۳۷۲: ۲۷۴) به طوریکه کنش دو سویه واقعیت بخشیدن به یک واحد، یک جامعه یا یک جامعه پذیری است. (استونز، ۱۳۷۹: ۱۲۰) به نظر زیمل، فرآیندهایی نظیر تقسیم کار فراینده، عقلانیت مفرط، سلطه روزافزون و نظایر آن سبب پیدایش دلزدگی و احتیاط در روابط اجتماعی موجود در کلان شهر شده است. در حالت دلزدگی، فرد قادر نیست تفاوتها را دریابد. در چنین شرایطی، اهمیت زندگی از میان می رود، تمام امور و فعالیتها یکنواخت می شوند و رضایت از زندگی کاهش می یابد. احتیاط نیز از دیگر ویژگی های روابط اجتماعی در زندگی کلان شهری است. به موازات افزایش افراد، روابط چهره به چهره کارکرد خود را از دست داده و جای خود را به روابط دیگر می دهند. به اعتقاد زیمل، نتیجه چنین شرایطی ناپایداری روابط و کاهش اعتماد اجتماعی است. (انجمن جامعه شناسی ایران، ۱۳۸۳: ۲۹۴) با بررسی و واکاوی روش شناسی زیمل می توان گفت که به نظر او هر واقعیت جامعه شناسی دارای دو بعد است: صورت و محتوا و یا به عبارت دیگر ساختار و محتوا؛ لذا می توان گفت که سرمایه اجتماعی دارای دو جزء اعتماد و پیوند است. این دو جزء معرف تقسیم بندی سنتی موجود در نظریه اجتماعی بین ساختار و محتوا است. (انجمن جامعه شناسی ایران، ۱۳۸۳: ۳۰۵؛ به نقل از تنهایی و حضرتی، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۲)

**هربرت بلومر؛** روش‌شناسی هربرت بلومر طبیعت‌گرایانه است و آن به این معناست که طبیعت جهان تجربی را به گونه‌ای که بصورت مفاهیمی که در خود واقعیت موجود هستند و حیات دارند و دائماً در فرآیند تکوین و بازآفرینی مورد توجه قرار می‌گیرند، در جهان خارج است بشناسیم. دنیای تجربی، یک دنیای زنده و در حال حرکت است و همواره در حال نو شدن می‌باشد. جهان تجربی از نظر بلومر، محل برخوردهای واقعی مردم یا تشکیل کنش متقابل نمادی است و باید در همانجا نیز مورد آزمون قرار گیرد. (تنهایی، ۱۳۷۹: ۴۵۹-۴۶۰) بلومر صراحتاً تأکید می‌کند که انسان در مقابل شرایط اجتماعی که در برابر آن قرار دارد و قرار است در برابر آن شرایط، با اشاره معانی به خویشتن خویش و تفسیر آن معانی، به کنش بپردازد، می‌بایستی ظرف وجودی خاصی داشته باشد. او از این توانمندی و ظرف وجودی به عنوان یک ساخت بحث می‌کند که می‌توانسته است در فرآیند تکاملی متناسب با حیات بشری با کنش متقابل اجتماعی تنظیم شده باشد، و پس از این هم در فرآیند دیالکتیکی کنش متقابل نمادی انسان با تفسیر تازه خود، می‌تواند در این تنظیم دخالت کند. پس انسان از یک سو توانمندی تفسیر، تغییر و تحول شرایط در ساخت بشری خود را به عنوان خصیصه تکاملی به میراث و همراه دارد، و از سوی دیگر در برابر مردم و موقعیتهای قرارداد که او را تعریف می‌کنند، و از او انتظار دارند که نه تغییر، بلکه پیروی از سنن و هنجارهای اجتماعی را پیشه کند. (تنهایی، ۱۳۸۸: ۴۶-۴۸) "من" اجتماعی در واقع همان توقعات اجتماعی و انعکاس هنجارهای فرهنگی در درون خود افراد است و "من" بخش نیروهای انگیزنده و تازه پیش‌بینی نشده است. در دیالکتیکی پیشرونده میان این دو فرآیند، خود بوجود می‌آید. (همان: ۴۱)

**آنتونی گیدنز؛** نقطه آغاز هستی‌شناسی گیدنز دیالکتیک میان فعالیتها و شرایط است که در زمان و مکان رخ می‌دهد. (ریترز، ۱۹۸۸: ۴۸۸) اعتماد به شیرازه زمان و مکان مربوط می‌شود. زیرا اعتماد یعنی ضمانت و تعهد دادن به شخص، گروه یا نظام در طول زمان آینده؛ اندیشه اعتماد نیز یک اندیشه مدرن است. ریسک و اعتماد به طور تنگاتنگی به یکدیگر مربوط اند. اعتماد- به یک شخص، یا به یک نظام، به طور مثال نظام بانکی- به معنی انطباق با ریسک است، در حالی که قبول ریسک می‌تواند به معنی ایجاد باشد. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۷۵-۱۷۶) انواع برخوردهایی که زندگی امروزی را در محیط‌هایی ناشناس فعالیت اجتماعی مدرن می‌سازند، در وهله نخست با آن چیزی حفظ می‌شود که گافمن آن را «بی‌توجهی مدنی» نامیده است. بی‌توجهی مدنی بنیادی‌ترین نوع پابندی چهره دار در رویارویی با بیگانگان در شرایط مدرنیت است. بی‌توجهی مدنی همان «زمزمه زمینه ساز» اعتماد است، که از یک نواخت اجتماعی به دقت نظارت و تنظیم شده برخوردار است. (همان: ۹۶-۹۸)

اما آنتونی گیدنز بین دو نوع اعتماد تمایز قائل می‌شود: ۱- اعتماد به افراد خاص و ۲- اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی. اعتماد انتزاعی دربرگیرنده آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است. لذا در حالی که کنشگر می‌تواند به راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند (بر اساس اطلاعات مربوط به تاریخچه آن فرد، انگیزه‌ها و شایستگی‌های او)، می‌تواند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به دیگران تعمیم یافته نیز دارای ایده‌ها و باورهایی باشد. افراد همچنین می‌توانند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهایی باشند. از این فرآیند می‌توان با سطح نهادی اعتماد نام برد. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده اعتماد به نظام‌های تخصصی می‌نامد. ممکن است کنشگر از فردی که اتومبیل او یا خانه او را ساخته شناختی نداشته باشد، ولی نسبت به نظام استاندارد، تنظیم قواعد و قوانین، نظارت و کنترل کیفیت دارای میزانی از اعتماد باشد. برای ارزیابی سرمایه اجتماعی در سطح ملی، سنجش اعتماد به نهادهای مختلف اجتماعی ضرورت دارد. در حالی که اعتماد به افراد خاص می‌تواند در سطح خرد سرمایه اجتماعی در سطح ملی ویژگی مهم‌تری محسوب شود. (انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۳: ۳۰۶-۳۰۷؛ به نقل از تنهایی و حضرتی، ۱۳۸۸: ۴۱-۴۲)

**فرانسیس فوکویاما؛** فوکویاما در بررسی سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن، بر وجود هنجارها و ارزشهای غیررسمی در یک گروه تأکید دارد. وی سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزشهای غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان آنان مجاز است، در آن سهیم هستند؛ مشارکت در ارزشها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزشها ممکن است منفی باشد. برعکس هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشند. فوکویاما معتقد است که در ارتباط با سرمایه اجتماعی دو نکته می‌باید روشن گردد: نخست این که سرمایه اجتماعی متعلق به همه گروه‌هاست. دوم، سرمایه اجتماعی با توجه به علم سیاست و علم اقتصاد لزوماً چیز خوبی نیست. در این علوم همکاری و همیاری برای تمام فعالیت‌های اجتماعی خواه خوب یا بد، ضروری است. (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۰-۱۳) همچنین از نگاه فوکویاما، هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند تقسیم‌پذیرند، یعنی می‌توانند تنها

میان گروه محدودی از مردم از همان اجتماع مشترک باشند و نه در میان دیگران، در حالیکه سرمایه اجتماعی در همه جوامع وجود دارد، اما می تواند به طرق مختلف توزیع گردد. (تنهایی و حضرتی، ۱۳۸۸: ۴۶)

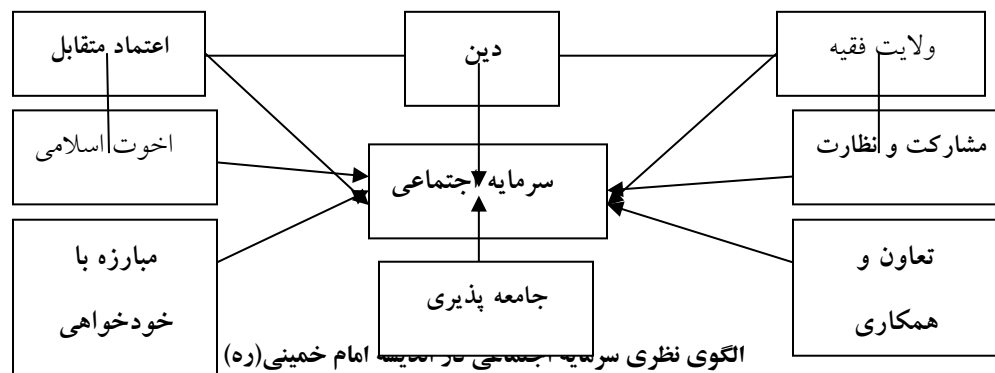
**رابرت پاتنام؛** رابرت پاتنام از متخصصین اخیر سرمایه اجتماعی است که چگونگی تاثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر رژیم های سیاسی و نهادهای دموکراتیک را مورد بررسی قرار داده است. (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۱) پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه ها می داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تامین خواهد کرد. از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه به عنوان منابعی هستند که در کنش های اعضای جامعه موجود است. وی سرمایه اجتماعی را وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم های مختلف سیاسی قلمداد می کند. در این راستا تاکید وی بر مفهوم اعتماد است و معتقد است که این عامل می تواند با جلب اعتماد میان مردم و دولتمردان و نخبگان سیاسی، موجب توسعه سیاسی شود. بنابراین اعتماد منبع با ارزشی از سرمایه محسوب می شود که اگر در حکومتی به میزان زیاد اعتماد وجود داشته باشد به همان میزان رشد سیاسی و توسعه اجتماعی ارتقا خواهد یافت. همچنین رابرت پاتنام اعتقاد دارد که سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی، نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه ها است که می توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ کارآیی جامعه را بهبود بخشند. (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵)

در مجموع پاتنام، تمام ویژگی های اجتماعی نهادها و سازمان ها از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه های اجتماعی را سرمایه اجتماعی نامیده و معتقد است سرمایه اجتماعی اغلب محصول جانبی دیگر فعالیت های اجتماعی می باشد. این سرمایه به طور معمول در پیوندها، هنجارها و اعتمادها تشکیل می شود و از یک شرایط اجتماعی به شرایط دیگر انتقال پذیر است. واضح است که وی سرمایه ی اجتماعی را براساس منابع آن تعریف می کند و به آن به صورت کلان نگاه می کند و آن را در رشد و توسعه اقتصادی کشور مؤثر می داند و به این لحاظ تعریف او جمعی بوده و سرمایه اجتماعی را به منزله دارایی گروه ها و جوامع تلقی می کند. بنابراین سرمایه اجتماعی را می توان حاصل پدیده هایی ذیل در یک سیستم اجتماعی دانست: اعتماد متقابل؛ تعامل اجتماعی متقابل؛ گروه های اجتماعی؛ احساس هویت جمعی و گروهی؛ احساس وجود تصویری مشترک از آینده؛ کار گروهی. همچنین محیط ایفای نقش سرمایه اجتماعی مشارکت مردم، درجه اعتماد مردم به دولت و رابطه امت و امام و سبک زندگی می باشد.

**دیدگاه امام خمینی (ره)؛** در این رابطه می توان گفت که انسان شناسی امام خمینی (ره)، منبع مبانی سرمایه اجتماعی است. از نظر امام (ره)، حکومت ضرورت جامعه است. و اداره جامعه نیازمند قانون است. قانون نیاز به مجری دارد و جامعه نیز به مدیر و هدایت گر و ارزیابی کننده نیازها و ارزش ها احتیاج دارد. وظیفه حفظ اسلام و احکام اسلام به عهده همگان است که در راس آنها علما قرار دارند و مسئولیت در درجه اول متوجه آنهاست. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۲۰۱) علما واسطه میان امام و مردم هستند. فقیه حاکم باید مردم را بر اساس نظام ارزشی (دین) تربیت کند و روابط اجتماعی مبتنی بر آن را تنظیم نماید (جامعه پذیری سیاسی و مهندسی فرهنگی) روابط اجتماعی، هسته سرمایه اجتماعی است. پرواضح است که روابط اجتماعی، تربیت دینی و رهبری و مشارکت مردم در یک فضای اعتماد و ریسک پذیری صورت می گیرد. چرخ بزرگ اجتماع بدون اعتماد از کار می افتد. با این وجود دیدگاه امام خمینی (ره) در خصوص سرمایه اجتماعی، حول محور اخوت اسلامی و مشارکت و اعتماد است که از محتوای دینی و انسان شناختی خاصی برخوردار است. ایشان به سرمایه اجتماعی از منظر جامعه پذیری انسان می نگرند. از آنجا که انسان منشاء تحول فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می باشد، توجه به تربیت او بر اساس فطرت اهمیت پیدا می کند. امام رابطه مردم با همدیگر و دولت و مردم را از این زاویه مورد توجه قرار می دهد و در جهت تشکیل دولت هادی و شناساندن آفات آن قدم برمی دارد. (فتحی، ۱۳۹۰: ۳۶-۳۷) به هر حال ارکان اصلی دولت هادی دین، رهبری و مردم است که برای نیل به سعادت تلاش می کنند. (لک زایی، ۱۳۸۴: ۲۴) در مجموع با گذاری بر نظریات سرمایه اجتماعی، مشهود است که محور همه نظریات بر اعتماد و مشارکت و همدلی (اخوت اسلامی) در راستای نیل به اهداف مطلوب آن جامعه است که امام خمینی (ره) نیز بارها بر این مفاهیم محوری در مرحله تاسیس نظام اسلامی، نهادینه نمودن نظام اسلامی و استمرار و تداوم این نظام تاکید داشته اند.

از سوی دیگر، امام خمینی (ره) در تبیین اندیشه سیاسی و الگوی حکومت اسلامی، به کرات بر مفهوم مشارکت به مثابه یکی از مولفه های اساسی سرمایه اجتماعی و نهایتاً قدرت اجتماعی تاکید داشته اند. ایشان آگاهی، مشارکت، نظارت مردم و همگامی آنها با حکومت منتخب خود را

بزرگترین ضمانت حفظ امنیت جامعه می‌دانند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۲۴۸) و مشورت در کارها را به عنوان نوعی از مشارکت در امور اجتماعی، از دستورات اسلامی می‌شمارد. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۱۰) بر این اساس مشورت، تعاون و همکاری و مسئولیت‌پذیری و نظارت اجتماعی و مشارکت و اعتماد که از مولفه‌ها و شاخصه‌های سرمایه اجتماعی مورد توافق قریب به اکثریت نظریه پردازان این عرصه می‌باشند، به کرات در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) با محوریت دین مبین اسلام در قالب تئوری ولایت فقیه مورد توجه قرار گرفته‌اند. با این وجود الگوی نظری تولید سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی (ره) را می‌توان این گونه ترسیم نمود:



### سطوح سرمایه اجتماعی؛

در یک نوع تقسیم بندی، سرمایه اجتماعی را می‌توان در سه سطح خرد، میانی و کلان مورد مطالعه قرار داد:

#### ۱- سطح خرد

در سطح خرد، سرمایه اجتماعی ناظر بر رفتار شبکه‌هایی از افراد و خانوارهاست. سرمایه اجتماعی در سطح خرد، براساس میزان صمیمیت حاکم بر روابط افراد، به دو نوع غیر رسمی (پیوندی یا درون گروهی) و تعمیم یافته (آوندی یا میان گروهی) تقسیم می‌شود.

الف) سرمایه اجتماعی با پیوندی: این نوع سرمایه اجتماعی میان افرادی که ارتباط نزدیک و صمیمی باهم دارند وجود دارد، مثل اعضای خانواده، دوستان نزدیک و همسایگان. در برخی مطالعات، مانند مطالعات استون و هیوز (۲۰۰۲)، از این سطح سرمایه اجتماعی، با عنوان غیر رسمی یاد می‌شود.

ب) سرمایه اجتماعی تعمیم یافته یا آوندی: این نوع سرمایه اجتماعی در میان افرادی رواج دارد که روابط دوستانه و خصوصیات مشترک کمتری میان آن‌ها حاکم است، مثل اعضای گروه‌های اجتماعی و سیاسی یا عموم مردم که لزوماً از یک اندیشه و گروه فکری خاصی پیروی نمی‌کنند. برخی این سطح از سرمایه اجتماعی را بعنوان تعمیم یافته معرفی می‌کنند چرا که سطح تحلیل را از افراد نزدیک و صمیمی، به کل افراد اجتماع تعمیم می‌دهد.

#### ۲- سطح میانی



سرمایه اجتماعی در سطح میانی که به سرمایه اجتماعی هم‌اوندی نیز معروف است، شامل پیوند ها و روابط عمومی است. بعنوان مثال به روابط حاکم میان اعضای گروه ها، سازمان ها و بنگاه ها می پردازد تعریف دقیق سرمایه اجتماعی، علاوه بر پیوند های افقی، شامل پیوند های عمودی نیز می شود و رفتار حاکم میان گروه ها را نیز در نظر می گیرد. پیوند های عمودی با روابط سلسله مراتبی و توزیع یک قدرت نا برابر میان اعضای شناخته می شود.

تفاوت این طبقه از سرمایه اجتماعی با سرمایه اجتماعی در سطح خرد آن است که جایگاه افراد در سطح میانی یکسان نیست. با این تفاوت جایگاه، غالباً موجب ایجاد روابطی جدید و با ویژگی های خاص می شود. با تعریف سرمایه اجتماعی در این طبقه، در حقیقت به کارکرد آن در سازمان متمرکز شده ایم، چرا که وجود سرمایه اجتماعی میانی میتواند کنش های افراد درون یک سازمان، مثلاً مدیران و کارمندان را تسهیل نماید و باعث پیشرفت سریع کارها گردد. به همین خاطر است که این طبقه از سرمایه اجتماعی، بیشتر مورد مطالعه رشته مدیریت است و لذا مطالعه و سنجش آن از بستر مطالعه طبقات دیگر سرمایه اجتماعی جداست.

### ۳- سطح کلان

آخرین و فراگیرترین جنبه ی سرمایه اجتماعی جنبه ی کلان است که شامل رسمی ترین روابط و ساختارهای نهادی می شود. به همین لحاظ در برخی مطالعات این سطح از سرمایه اجتماعی با عنوان نهادی هم معرفی می شود. این بخش از سرمایه اجتماعی به محیط اجتماعی و سیاسی می پردازد که به ساختارهای اجتماعی شکل می دهد و هنجارها را قابل توسعه می کند. رژیم سیاسی سلطه ی قانون نظام قضایی و آزادی های سیاسی و مدنی نهادهایی است که از طریق آن ها سرمایه ی اجتماعی کلان شکل می گیرد. با این حال شاخص اصلی مورد استفاده برای آگاهی از نهاد های حاکم بر جامعه و بدلیل آن، سنجش سرمایه اجتماعی نهادی، برداشت اعضای جامعه از نهاد هاست. به عنوان مثال برای سنجش روش قانون، از نگرش مردم نسبت به رعایت قوانین پرسش می شود، یا چنانچه در این مقاله هم ملاحظه خواهید نمود، میزان اعتماد افراد به اصناف مختلف، بعنوان شاخصی برای عملکرد نهایی مدنی و رابطه ایشان با مردم استفاده شده است، و این، رابطه ای است که سرمایه اجتماعی نهادی نام دارد و هر چه بیشتر بودن آن؛ موجبات انجام راحت تر سیاست ها را فراهم می نماید. ویژگی ممتاز کننده این سطح از سرمایه اجتماعی، رسمیت موجود میان کنش گران آن است.

در هر صورت دسته بندی سرمایه اجتماعی به فهم بهتر آن کمک می کند. در هرکدام از سطوح خرد، میانی و کلان، سرمایه اجتماعی اثر خود بر توسعه را بعنوان نتیجه کنش میان دو نوع سرمایه اجتماعی مشخص اعمال می کند: ساختاری و شناختی. به طور کلی، ساختاری ناظر بر کمیت سرمایه اجتماعی است و شناختی ناظر بر کیفیت آن. دسته ساختاری با اشکال مختلف سازمان های اجتماعی، به خصوص نقش ها، قواعد، سنن و رویه ها، در ارتباط است. سرمایه اجتماعی ساختاری مربوط به امور به نسبت عینی تر و بطور خارجی قابل مشاهده مانند شبکه ها، تشکل ها، نهادها، قوانین و تشکیلات شکل گرفته توسط آن ها است. ارتباط سرمایه اجتماعی ساختاری بیشتر با شبکه هاست که از طریق آن ها همکاری و بخصوص فعالیت های جمعی دارای منافع متقابل شکل می گیرد. این ها همه منافی است که از سرمایه اجتماعی بدست می آید. گروه های ورزشی و موسیقی و همچنین گرد همایی همسایگان، مثال های سرمایه اجتماعی اقتصادی هستند. اگر کسی در این گونه تشکل ها شرکت کند، به سادگی آن ها را ملاحظه می کند. سرمایه اجتماعی ساختاری، به اشتراک گذاشتن اطلاعات و کارهای جمعی و تصمیم گیری را از طریق نقش های تثبیت شده، شبکه های اجتماعی که با قوانین، تشریفات و رسوم حمایت می شوند، تسهیل می کند. اما سرمایه اجتماعی شناختی به ارزش ها، اعتماد گرایش ها و عقاید مشترک باز می گردد. به همین خاطر، بیشتر امری ذهنی و مفهومی نامحسوس است. سرمایه اجتماعی شناختی درواقع به شناخت افراد نسبت به دیگران مربوط می شود. به عنوان مثال، اعتماد یک فرد نسبت به همکاریانش، حاکی از شناخت او از ایشان می باشد. سرمایه اجتماعی شناختی، از طریق همین امور، همکاری و فعالیت های جمعی دارای منافع متقابل را ترغیب می کند. لازم به ذکر است که تقسیم سرمایه اجتماعی به دو نوع ساختاری و شناختی به سنجش سرمایه اجتماعی نیز کمک می کند.

مصادیق سرمایه اجتماعی در فرآیند زندگی جامعه ایران؛

سرمایه اجتماعی در تمام جزئیات و شئون زندگی بشر امروزی مشهود است. در خصوص ارتباط آن با اقتصاد می توان گفت که اعتماد و تعامل بین شهروندان و کارگزاران اقتصادی با تسهیل معاملات و مذاکرات و کاهش نظارت منجر به کاهش هزینه های مبادلاتی و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی رانت جویی، و رفتار فرصت طلبانه می شود و مانع تقلب می گردد. (امیری و رحمانی، ۱۳۸۵: ۱۱۳) همین مفهوم حتی با سلامت مادران هم در ارتباط است. «سلامت اساسی ترین جزء رفاه جامعه به شمار می رود و بیش از مداخلات پزشکی و پرستاری، به عوامل اجتماعی و اقتصادی وابسته است و کیفیت ارتباط با دیگران (سرمایه اجتماعی شناختی) بر سلامت مادران موثر می باشد. (خواججه دادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۳-۱۰۲) هر چند احیا و طرح جدی سرمایه اجتماعی به یک یا دو دهه آخر قرن ۲۰ استناد داده می شود اما با توجه به ماهیت موضوع می توان آن را پدیده ای ریشه دار و به طور کامل قدیمی دانست که در اندیشه ها، گرایش ها، سنت ها، رفتارها، نهادها، مجموعه ارتباطات، شبکه های انسانی و اجتماعی ظهور و حضور داشته است. این موضوع با توجه به پیوندهای اخلاقی و ارزشی اش با سنت های دینی، رفتار و پندار بنیان گذاران ادیان آسمانی، هم پیوندی های قابل توجهی دارد. (دادگر و نجفی، ۱۳۸۵: ۱۳-۳۸) بر این اساس مهم ترین مصادیق سرمایه اجتماعی در فرآیند زندگی جامعه ایران را می توان چنین برشمرد:

#### ۱- سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی

ایران کشوری است با ساختی فرهنگی و اجتماعی متنوع و چندگونه که دارای اقلیت ها و قومیت ها و مذاهب مختلف و متعددی است. مسلمان شیعه و سنی، مسیحی، یهودی، زردشتی، فارس، آذری، کرد، عرب، بلوچ و... که مدارا، همزیستی، همبستگی و وحدت آنها زیر یک پرچم و داخل مرز و بومی مشخص نیازمند داشتن اشتراکات ارزشمند و قوی بسیاری است که اگر اختیاری، انتخابی و آگاهانه و متداوم باشد می توان از آن به عنوان یک سرمایه ی ارزشمند اجتماعی یاد کرد. مبرهن است که یکی از چالش های عصر جدید ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی است. صاحب نظران در سال های اخیر اذعان داشته اند که تحمل و مدارا بخشی از سرمایه اجتماعی است. تحمل و مدارا بخشی از هویت ما ایرانیان است. شاخص های تحمل و مدارا عبارتند از توجه به دیدگاه های گوناگون، پرهیز از تعصب، احترام به تفاوت های فردی، تلاش جهت کشف زمینه های مشترک، عدم تنفر نسبت به اعضای گروه های متفاوت، عدم تلاش جهت بدنام کردن دیگران، عدم توهین به دیگران، دادن احساس خوب به دیگران، تلاش در برقراری ارتباطات اثربخش با دیگران، توجه به منافع دیگران و عدم احساس جدایی از دیگران. (نصرافهانی، علی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۰)

#### ۲- سرمایه اجتماعی و سلامت روانی

یکی از مولفه های توسعه پایدار در یک جامعه، سلامت روانی است. ارتقاء سلامت روانی مردم تحت تاثیر متغیرهایی چون سرمایه اجتماعی، سن افراد، میزان درآمد خانوادگی و قومیت آن ها می باشد. نتایج تحقیق آقای ایمان و همکاران نشان می دهد «هر اندازه افراد در ساختار اجتماعی موجود دارای سرمایه اجتماعی بالاتری باشند، سلامت روانی افراد در وضعیت بهتری قرار خواهد گرفت». (ایمان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۳)

#### ۳- سرمایه اجتماعی و شادمانی و رضایت از زندگی

سطح بالای سرمایه اجتماعی به سطح بالای رضایت از کیفیت زندگی می انجامد. بنابراین، سرمایه اجتماعی در مقایسه با متغیرهای زمینه ای مانند سن، شغل، و... پیش بینی کننده ای بهتر برای رضایت از کیفیت زندگی به شمار می رود. (ماجدی و لهسایی زاده، ۱۳۸۵: ۹۱-۱۳۵) بر اساس آمارهای موجود رتبه سازمانی شادمانی ایران در میان ۶۹ کشور، رده ۶۱ است که رده نازلی می باشد. روابط اجتماعی توأم با اعتماد که از مولفه های سرمایه اجتماعی است اثر تعیین کننده بر شادمانی دارند و در این میان خانواده به عنوان عمده ترین تامین کننده شادمانی افراد محسوب می شود. (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۳۴-۵۷)

#### ۴- سرمایه اجتماعی و شبکه های ارتباطی

تحقیق خانم باستانی در خصوص بررسی سرمایه اجتماعی شبکه در ۱۰ محله تهران نشان می‌دهد که «تمرکز بر روابط همسایگی و محله‌ای، به صورت مجزا، به شکست خواهد انجامید. تنها با خلق فرصت‌های بیشتر برای شکل‌گیری اجتماعات محله‌ای افراد و تسهیل عملکرد شبکه‌های ارتباطی بین افراد می‌توان تمام پتانسیل‌های شهر مدرن را آزاد کرد. (باستانی، ۱۳۸۷: ۵۵-۷۴)

#### ۵- سرمایه‌ی اجتماعی و رفاه اجتماعی

تحقیقات نشان می‌دهد که شاخص‌هایی از سرمایه اجتماعی که در شهر تهران، از وضعیت بهتری برخوردارند شاخص‌هایی هستند که به اصطلاح به آنها سرمایه اجتماعی سنتی می‌گویند و به وجوه سنتی جامعه مربوط می‌شوند (مشارکت غیررسمی مذهبی و خیریه‌ای) و شاخص‌هایی که با زندگی مدرن منطبق‌اند (سرمایه اجتماعی مدرن) از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند (اعتماد نهادی، اعتماد تعمیم‌یافته، انسجام اجتماعی و مشارکت رسمی) و سرمایه اجتماعی، رابطه مثبتی با رفاه اجتماعی دارد. بطوری که «کلیه شاخص‌های مطرح شده (اعتماد، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی) نیز با رفاه اجتماعی رابطه مثبتی دارند. (زاهدی و شیانی و علی پور، ۱۳۸۸: ۱۰۵-۱۲۵)

#### ۶- سرمایه اجتماعی و جرم و بزهکاری

تغییرات به وقوع پیوسته در دهه‌های اخیر، نشان از تحول اساسی در ساختار نظام ارزشی جامعه می‌دهد. تحولاتی که چه بخواهیم و چه نخواهیم با نظم سنتی پیشین در تقابل است. امروزه با تشدید فرایندهای جهانی شدن و پیامدهای فرهنگی-اجتماعی آن، به ویژه مصرف‌گرایی، تکثر جوامع و به تبع آن آسیب‌های اجتماعی از قبیل افسردگی و اعتیاد، جرم و بزهکاری، جنایت و شورش‌های اجتماعی، بیکاری و اوقات فراغت، مشکل در ازدواج، کنکور و... نوجوانان و جوانان به موضوع سیاست‌های اجتماعی مبدل شده‌اند. نوجوانان و جوانان به عنوان یکی از مهمترین گروه‌های سنی، تنها افرادی نیستند که در معرض فرایندهای متفاوت توسعه اجتماعی قرار گرفته‌اند، بلکه آنها به شیوه‌ای متفاوت از سایر گروه‌های سنی به این رویدادها واکنش نشان داده‌اند.

رابینگتن معتقد است بیشتر مسایل اجتماعی برآمده از روابط اجتماعی هستند. روابط اجتماعی و ارزش‌های معنوی که طی قرن‌ها نظیر دیگر جوامع بشری وضع و صورت خاصی به خود گرفته بود در قرن بیستم مواجه با تحولات و دگرگونی‌هایی بود که ماشین‌ساز جدید موجب آن می‌شد و از آنجا که قدرت‌سازگاری معنوی هنگام تغییرات مادی میسر نبود تمدن ماشینی نابسامانیها و ضایعات انسانی فراوانی را به بار آورد که از آن جمله، از هم‌گسیختگی روابط اجتماعی بود که یکی از مظاهر آن را همان بزهکاری نوجوانان و جوانان باید دانست. (کواراسوس، ۱۳۴۵: ۱۷)

در واقع در بین بسیاری از صاحب‌نظران در این زمینه توافق کلی وجود دارد که نوجوانان بزهکار غالباً در معرض آن گونه از روابط اجتماعی قرار دارند که از ویژگی‌های آن، نبودن رابطه و پیوند نزدیک و صمیمانه بین پدر و فرزند و مادر و فرزند است که به تدریج کیفیت این رابطه در رفتار آنان نسبت به دیگران به ویژه بزرگسالان اثر می‌گذارد. (شیخی و مقوم، ۱۳۸۷) شکل کار و طرز ارتباط اعضای خانواده به گونه‌ای است که محیط خانواده را برای تأمین احتیاجات اساسی کودکان مساعد می‌سازد. (علی‌پوردی نیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۸)

#### ۷- سرمایه اجتماعی و خانواده

پاتنام معتقد است مهمترین شکل سرمایه اجتماعی، خانواده است. (Putnam, 2005: 73) بورديو خانواده را به عنوان مهم‌ترین مکان انباشت و انتقال سرمایه اجتماعی می‌بیند. (Bourdieu, 1985: 33) فوکویاما نیز ادعا نموده که خانواده‌ها به طور آشکاری در همه‌جا منابع مهم سرمایه اجتماعی هستند. (Fukuyama, 1999: 17) کلمن نیز بر این باور بود که انواع خاصی از ساختارهای اجتماعی بیش از سایرین انتخاب‌کننده‌های افراد را تسهیل می‌کنند. او تمایل داشت تا خانواده را به عنوان کلاف قدیمی سرمایه اجتماعی تصور کند.

هم چنین در این رابطه آمار معتقد است روابط والدین با همدیگر، دریافت کمک از والدین در حل مشکلات شخصی، صحبت کردن و تعامل با والدین، احساس محبت کردن و صمیمیت از شاخص های اندازه گیری سرمایه اجتماعی خانواده است. (Stone, 2001:9) در کنار آن غیبت پدر از خانواده و محیط همسایگی در طول روز و اخیراً غیبت مادر از خانواده و ورود او به بازار کار، مترادف با کاهش مشارکت والدین در خانواده بوده است. علاوه جامعه شدیداً در معرض تهاجم فردگرایی قرار گرفته که بر اساس آن منافع فردی بر مصالح جمعی تقدم یافته است (شارع پور، ۱۳۷۹: ۱۷)

## ۸- سرمایه اجتماعی و مشارکت های زنان

از آن جایی که گروه های مختلف اجتماعی، نژادی و جنسیتی در موقعیت های ساختاری و شبکه های اجتماعی متفاوت قرار دارند، از نظر بهره مندی از سرمایه ی اجتماعی متفاوت هستند. به عنوان مثال زنان و اقلیت ها یک موقعیت نابرابر در سرمایه ی اجتماعی قرار دارند و فرصت های کمتری در اختیار آنان قرار می گیرد که در زندگی اجتماعی از آن استفاده می کنند و در بهره گیری از منابع و تحرک شغلی خود موفق شوند. (Lin, 2001:95)

در هر حال همبستگی های معناداری میان ابعاد سرمایه ی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی زنان بالای هجده سال مشاهده شده است. (موحد و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۱) که در آن مشارکت سیاسی به معنی «تمایل هر فرد به درگیر شدن در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی» (راش، ۱۳۸۳: ۱۲۳) یا شرکت در فرآیندهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی می انجامد و سیاست عمومی را تعیین می کند و یا بر آن اثر می گذارد، (ابراکرمی و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۸۶) تعریف شده است. پس مشارکت سیاسی، اولاً، یک کنش اجتماعی است؛ ثانیاً، به شکلی داوطلبانه اعمال می گردد؛ ثالثاً، با موقعیت اجتماعی افراد ارتباط نزدیک دارد. (موحد، ۱۳۸۲: ۶) بنابراین در زمانی که مناصب حساس اجتماعی تنها به مردان سپرده شود، مردسالاری به منصفی ظهور می رسد. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۶) که به نوعی شکاف جنسیتی دامن می زند و سطح روا بط اجتماعی زنان را به نفع مردان پایین می آورد و بخش قابل توجهی از جمعیت هر کشور که نقشی به سزا در توسعه ی همه جانبه ایفا می کنند، همواره از توزیع ناعادلانه ی فرصت ها و منابع، بالاخص در کشورهای جهان سوم، محروم می مانند.

در واقع درصد بالایی از زنان (۶۹٪) در ابعاد مختلف سرمایه ی اجتماعی (برون گروهی، درون گروهی و میزان ارتباطات اجتماعی و سرمایه ی اجتماعی ارتباطی) در سطح متوسط می باشند و سرمایه ی اجتماعی آنان بر روی آوردن ایشان به فعالیت های سیاسی مؤثر است و جالب اینکه افرادی که سرمایه ی اجتماعی بیشتری داشته اند، انتظارات بیشتری از مشارکت سیاسی داشته اند، که به دلیل عدم برآورده شدن این انتظارات نگرش منفی تری نسبت به مشارکت سیاسی پیدا کرده اند. (موحد و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۸۶ به نقل از شیخی و مقوم، ۱۳۸۷)

## اهمیت سرمایه اجتماعی؛

مفهوم سرمایه اجتماعی در سال های اخیر در حوزه های گوناگون علوم اجتماعی، اقتصاد و اخیراً در علوم سیاسی مطرح شده است. سرمایه اجتماعی عبارت است از ارتباطات و شبکه های اجتماعی ای که می توانند حس همکاری و اطمینان را در میان افراد یک جامعه پدید آورند. در این میان نباید از نقش نهادهای مدنی و دموکراتیک و نیز نقش دولت در گشودن چنین فضاهایی غافل شد. به هر روی، امروز بر جامعه شناسان ثابت شده که یکی از ابعاد مهم هر توسعه ای توجه به سرمایه های اجتماعی است. از این رو سرمایه اجتماعی، یکی از مهمترین شاخصه های رشد و توسعه هر جامعه ای به شمار می آید. در واقع سرمایه اجتماعی از مفاهیم مهم در جامعه شناسی نوین است که وجود آن برای همبستگی اجتماعی و رسیدن به اهداف جامعه لازم می باشد. وجود عناصر سرمایه اجتماعی در همه جوامع امری ضروری است. سرمایه اجتماعی مفهومی کلان است که دربرگیرنده ابعادی مانند اعتماد اجتماعی مشارکت اجتماعی و هنجارها است. سرمایه اجتماعی از ویژگی خودزایی و خودمولدی برخوردار است، به این معنا که با استفاده مناسب از آن زمینه برای تولید و تقویت آن فراهم می شود. (مبشری، ۱۳۸۷: ۱۶)

بر همین اساس مفهوم سرمایه اجتماعی در چند دهه اخیر بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. با این وجود وفاقی روی آن وجود ندارد. آنچه متفق علیه است، این است که اعتماد، هنجارها، ارزش ها، شبکه روابط و مشارکت از منابع سرمایه اجتماعی هستند. همچنین سرمایه اجتماعی هر منبعی است که به دارنده آن امکان می دهد با اثر گذاری در محیط منافع خود را در رقابت با دیگران بدست آورد. در واقع سرمایه اجتماعی نیروی موجود در ساخت و سازمان جامعه است که کم و کیف کنش های متقابل را سامان می دهد. ساخت جامعه به مجموعه هنجارها، ارتباطات، اعتماد اجتماعی، شبکه های اجتماعی، مشارکت اجتماعی و به طور کلی میدان فرهنگی یک جامعه دلالت می کند. همچنین به بیان دیگر می توان گفت که سرمایه اجتماعی «مجموعه منابع واقعی یا مجازی است که به واسطه مزیت پایدار شبکه ها و روابط سازمانی مستحکم و شناخت و آگاهی های متقابل به افراد یا گروه ها تعلق می گیرد. شبکه ای که هر یک از اعضا خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی بر خوردار نموده و آنان را شایسته اعتبار می سازد» (Bourdieu, p, 1985:249).

با این حال، به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه ای نشان دهنده میزان اعتماد افراد به یکدیگر است. همچنین وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش های اجتماعی می شود، به طوری که در مواقع بحرانی می توان برای حل مشکلات از سرمایه اجتماعی به عنوان اصلی ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرآیندهای موجود سود برد. از این رو شناسایی عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی اهمیت بسزایی دارد. اما از آنجا که سرمایه اجتماعی دربرگیرنده مجموع آن دسته از ارتباطات و شبکه های ارتباط اجتماعی که در جامعه موجودند و نیز میزان اعتماد و همکاری میان روابط موجود می باشد، لذا در اینجا می توان گفت اگر در جامعه ای میزان سرمایه اجتماعی پایین باشد، خطر افتادن آن جامعه به وضعیت تله اجتماعی بسیار بالاست. تله اجتماعی یعنی سرمایه اجتماعی پایین، نبودن اعتماد و اطمینان به یکدیگر بین مردم، رواج فساد اداری - اقتصادی، ترس و ... می باشد.

همچنین در رابطه با اهمیت سرمایه اجتماعی می توان گفت که امروزه در کنار سرمایه های انسانی و اقتصادی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی نیز مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی، یا بعد معنوی یک اجتماع، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی، قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع، فائق آید و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... را امکان پذیر سازد. در واقع، سرمایه اجتماعی را می توان در کنار سرمایه های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی (مادی) و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می شود. به طوری که بدون سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه ای نمی رسد، یا بسیاری از گروه ها، سازمان ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه اقتصادی و صرفا با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته اند به موفقیت دست یابند، اما هیچ مجموعه انسانی، بدون سرمایه اجتماعی نمی تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی، به زندگی فرد، معنی و مفهوم می بخشد و زندگی را ساده تر و لذت بخش تر می کند. پس به طور کلی می توان گفت: هر چه سرمایه اجتماعی ملتی بیشتر باشد، آن ملت، خوشبخت تر و ثروتمندتر خواهد بود.

علاوه بر این ها مزایای متعدد دیگری را همچنین می توان برای سرمایه اجتماعی برشمرد؛ مزیت اصلی و عمده سرمایه اجتماعی در اختیار گذاشتن اطلاعات زیاد با هزینه پایین و زمان اندک برای بازیگرانی است که نقش اصلی را در سرمایه اجتماعی ایفا می کنند. همچنین کسب قدرت و نفوذ از مزایای دیگر سرمایه اجتماعی است. کلمن در نوشته های خود اشاره به واژه «کلوب نمایندگان مجلس» دارد که در واقع منظور بحث «قدرت» است. برخی نمایندگان قدرت بیشتری نسبت به نمایندگان دیگر دارند؛ چرا که آنها تعهدات متفاوت با سایر نمایندگان برای خود ایجاد کرده اند و از اعتبار این تعهدات برای مشروعیت بخشیدن به رفتار خود استفاده می کنند. یک چنین قدرتی به بازیگر اصلی (در سرمایه اجتماعی) اجازه می دهد تا به اهداف خود دست یابد. مزیت دیگر سرمایه اجتماعی ایجاد «یکپارچگی» در میان اعضاست. هنجارها و باورهای محکم موجب ایجاد شبکه اجتماعی قوی می شود که دربرگیرنده آداب و رسوم و قوانین خاصی است و این هنجارها جایگزین کنترل های رسمی می شوند. در این رابطه اُچی چنین استدلال می کند که سازمانهای قبیله ای با هنجارهای مشترک قوی از هزینه های اندک نظارت بهره مند هستند و تعهد بالایی را در اختیار دارند که در واقع همان سرمایه اجتماعی است. علاوه بر مزایای فوق به کارگیری سرمایه اجتماعی در سطح سازمانی دارای مزایایی مانند: ایجاد سازمان کاری و تیم های منعطف، ارائه سازوکارهایی برای بهبود مدیریت عملکرد گروهی، زمینه سازی برای توسعه سرمایه های غیرمادی در سازمان و افزایش تعهد اعضا و کارکنان سازمان نسبت به مصلحت عامه است. به طور کلی می توان گفت که:

سرمایه اجتماعی یک ظرفیت، جوهر اجتماعی یا هنجاری غیر رسمی است که همکاری میان افراد و نهادهای یک جامعه را ارتقا می بخشد. هر شبکه اجتماعی، برای دستیابی به اهداف خود، علاوه بر افراد آگاه و با تجربه و امکانات و ابزار مادی، به عوامل مانند: اعتماد، تعهد و مسئولیت پذیری و ... هم نیاز دارد که این عوامل، همان سرمایه های اجتماعی هستند. حتی یک گروه از خلافکاران (مثل گروهی دزد یا قاچاقچی) هم برای موفقیت در کار خود به سرمایه اجتماعی و هنجارهایی مانند: رفتارهای اخلاقی، قانونمداری، خطرپذیری و اعتماد متقابل در بین اعضای گروه، نیاز دارد. در واقع برای موفقیت دسته جمعی در امور غیر قانونی هم، وجود سرمایه اجتماعی شرط است.

## رابطه سرمایه اجتماعی و قدرت اجتماعی؛

تا این مرحله از پژوهش، با شناخت حاصل نمودن از فرهنگ(نظام ارزشی، نظام هنجاری و نظام رفتاری جامعه) و نیز با تبیین جایگاه بنیادی فرهنگ در نیل به توسعه و پیشرفت، به این مهم دست یافتیم که سرمایه اجتماعی حاصل احیا و درونی شدن و جامعه پذیر شدن نظام فرهنگی مطلوب به معنای عام و به عبارتی سرمایه فرهنگی است. بر این اساس سرمایه اجتماعی منبع و منشاء اصلی قدرت اجتماعی است که مولفه های نظیر: اعتماد، همدلی، همکاری، مشارکت، شبکه های اجتماعی، مسئولیت پذیری و... به عنوان سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی- اسلامی ما، در صورت مدیریت فرهنگ و مهندسی فرهنگ قابلیت تبدیل به قدرت اجتماعی را دارند. قدرتی که از جنس نرم است و بر ابزارهای عقیدتی و معنوی و دینی بنیان نهاده شده است و در سطوح فردی، نهادی و دینی قابل اعمال است و موجودیت می یابد.

بنابراین مهم ترین عناصر فرهنگی و اجتماعی موجود در بطن جامعه که می توان سرمایه اجتماعی را با آنها مورد سنجش قرار داد عبارتند از: آگاهی به امور عمومی، سیاسی، اجتماعی، وجود انگیزه در افراد جامعه که در پی کسب این دسته از آگاهی ها برآیند، اعتماد عمومی به یکدیگر، اعتماد به نهادهای مردمی و دولتی، مشارکت غیر رسمی همیارانه در فعالیت های داوطلبانه در تشکلهای غیردولتی، خیریه ای، مذهبی، اتحادیه ها، انجمن های صنفی و علمی و... می باشد. در مجموع می توان گفت که یکی از معیارهای اصلی در شناخت سرمایه اجتماعی شکل و شیوه روابط اجتماعی افراد با یکدیگر و نحوه همزیستی آنها در جامعه مورد مطالعه است. همچنین از دیگر معیارها می توان به احساس مردم نسبت به حکومت و مردم اشاره کرد و نیز داشتن احساس خوشایند نسبت به امنیت، پیوندهای خانوادگی و اجتماعی و امیدواری نسبت به آینده از معیارهای مطرح محسوب می شود.

حال باید در ذکر پیوند این عناصر سرمایه اجتماعی با قدرت اجتماعی، اذعان داشت که مدیریت و نهادینه نمودن این عناصر و نمادهای اجتماعی که از بطن اجتماع و فرهنگ ظهور نموده اند، موجبات تولید و بازتولید قدرت اجتماعی می شود که تجلی عینی آن، مشارکت مسئولانه و آگاهانه و نهادمند افراد و گروهها در همه امور مربوط به جامعه است. به طوریکه افراد در برابر همه شئون جامعه احساس مسئولیت می کنند و تلاش می کنند از این رهگذر و با تکیه بر نمادهای نظام فرهنگی مطلوب، منافع ملی و جمعی را در کنار منافع فردی خویش مورد توجه قرار دهند.

در واقع اگر یکی از نمودهای سرمایه اجتماعی را ارتباط و شبکه های اجتماعی ای که می توانند اطمینان و حس همکاری را در میان افراد حاضر در شبکه های مورد بحث ایجاد کنند، بدانیم، آنچه بیش از پیش اهمیت پیدا می کند نقش نهادهای جامعه مدنی در تشکل این سرمایه و نیز نقش این نهادها در تولید قدرت اجتماعی است. پس پرواضح است که نهادمدنی و نهادینه نمودن سرمایه اجتماعی و فرهنگی، جایگاه ویژه ای در تولید قدرت اجتماعی دارد. در این وضعیت، نهادهای اجتماعی کارکرد دیدار، شناخت و در نهایت اعتماد را میسر می کنند. کارکرد پایانی این نهادها علاوه بر دیدار و شناخت و اعتمادسازی، ایجاد انگیزش مشارکت آگاهانه و نهادمند است که ماحصل این فرآیند تولید قدرت اجتماعی است. البته در جامعه اسلامی ایران، حتما لازم نیست که ارتباط پیش گفته تنها در داخل نهادهای جامعه مدنی باشد بلکه بیشتر روشها و فرم های اجتماعی و مذهبی(نظیر مساجد، حسینیه ها، هیئت های مذهبی، تکیه ها، مراسمات مذهبی و ...) را نیز که ارتباط مداوم و سازماندهی شده دارند، در برمی گیرد. اما نباید از یاد برد که اعتماد و حس همکاری با شیوه ای آسان تر در داخل نهادهای جامعه مدنی درست می شوند، چرا که نهادمند و نظام مند بوده و شبکه روابط اجتماعی ایجاد شده، دارای فرماسیون و ساخت ویژه ای است که به هر یک از اعضا مسئولیت و حقوق خاصی می-

بخشد و نوع ارتباط آنها با یکدیگر را سازمان‌دهی نموده است. این سازمان‌دهی در استمرار و تداوم روابط اجتماعی و شبکه‌ای اعضا نقش ایجابی دارد.

بر این اساس باید گفت که سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی-اسلامی منبعث از نظام فرهنگی (ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها) و مطلوب مردم ایران با همه تنوع و کثرت قومیتی و فرهنگی می‌باشد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی مولود احیاء و فرآوری سرمایه فرهنگی است که دین اسلام در آن جایگاه محوری دارد و آموزه‌های دینی، سایر آموزه‌ها و نمادهای فرهنگی ایرانی و جهانی موجود در نظام فرهنگی ما را تحت تاثیر قرار داده است. با این اوصاف باید در پایان این بخش به این نکته اذعان داشت که دین اسلام منبع اصلی سرمایه اجتماعی در جامعه است که آموزه‌های نظیر: اخوت اسلامی، همکاری، تعاون، مسئولیت‌پذیری، مشورت، نظارت، امر به معروف و نهی از منکر، حقوق سیاسی و مدنی مردم و حق تعیین سرنوشت و ... به وضوح این موضوع را اثبات می‌نمایند. حال در ذکر ارتباط این سرمایه‌ها با قدرت اجتماعی، می‌توان استدلال کرد که زمانی که این سرمایه‌ها انگیزش مشارکت نهادمند، مسئولانه و آگاهانه را در افراد و گروه‌های موجود در جامعه ایجاد می‌کند، در این وضعیت است که قدرت اجتماعی موجودیت می‌یابد و با مدیریت و سازماندهی مستمر، این قدرت نرم و معنوی، بازتولید شده و ارتقا می‌یابد.

## جمع بندی؛

در مجموع یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که اولاً سرمایه‌های اجتماعی از جمله مفاهیم چند وجهی در علوم اجتماعی است که در اوایل قرن بیستم به صورت علمی و آکادمیک مطرح و از سال ۱۹۸۰ وارد متون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی شد و ابتدا توسط جاکوبین، بوردیو، پاسرون و لوری مطرح می‌شود، اما توسط کسانی چون کلمن، بارت، پانتام و پرتز بسط و گسترش داده می‌شود. با این وجود در گذاری که بر نظریات سرمایه اجتماعی صورت گرفت، این یافته‌ها حاصل شد که مولفه‌های سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: اعتماد متقابل؛ تعامل اجتماعی متقابل؛ گروه‌های اجتماعی؛ احساس هویت جمعی و گروهی؛ احساس وجود تصویری مشترک از آینده؛ کار گروهی. همچنین محیط ایفای نقش سرمایه اجتماعی مشارکت مردم، درجه اعتماد مردم به دولت و رابطه امت و امام و سبک زندگی می‌باشد. در کنار آن مفهوم سرمایه اجتماعی که صبغه فرهنگی- اجتماعی دارد، بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود. بنابراین در صورتی که در اثر تلاش علمی و رفتارهای نظام‌مند و معطوف به ارزش دستگاه‌های فرهنگی، میراث فرهنگی را به سرمایه اجتماعی تبدیل کنند و اعتماد بین دولت و ملت را تقویت نمایند، ضمن اینکه جامعه در مسیر توسعه و پیشرفت قرار خواهد گرفت، در عین حال سرمایه اجتماعی به عنوان پیشران ارتقای قدرت اجتماعی عمل می‌کند.

بنابراین در کل سرمایه اجتماعی منبع و منشا اصلی قدرت اجتماعی است که مولفه‌های نظیر: اعتماد، همدلی، همکاری، مشارکت، شبکه‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و... به عنوان سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی-اسلامی ما، در صورت مدیریت فرهنگ و مهندسی فرهنگ قابلیت

تبدیل به قدرت اجتماعی را دارند. قدرتی که از جنس نرم است و بر ابزارهای عقیدتی و معنوی و دینی بنیان نهاده شده است و در سطوح فردی، نهادی و دینی قابل اعمال است و موجودیت می‌یابد.

## منابع؛

۱. ابرکرامی، نیکلاس؛ هیل، استفان؛ ترنر، برایان اس (۱۳۶۷)، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش.
۲. استونز، راب (۱۳۷۹)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
۳. امام خمینی (ره). تحریر الوسیله. جلد اول، بیروت، انتشارات دارالتعارف، چاپ اول.
۴. امام خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۷۹)، صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. انجمن جامعه‌شناسی ایران (۱۳۸۳)، مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات آگه.
۶. بوردیو، پیر (۱۳۸۴)، شکلهای سرمایه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: انتشارات شیرازه.
۷. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنتهای مدرن، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: سلام.
۸. تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۹)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد: انتشارات مرنديز و نی نگار.
۹. تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی نظری: مبانی، اصول و مفاهیم، تهران: انتشارات بهمن برنا.
۱۰. راش، مایکل (۱۳۸۳)، جامعه و سیاست (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی) ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
۱۱. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
۱۲. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵)، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
۱۳. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
۱۴. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۵. فیلد، جان (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران: کویر.
۱۶. کوزر، لیویس (۱۳۷۲)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۱۷. کواراسوس، ویلیام سی (۱۳۴۵)، بزهکاری نوجوانان مسئله‌ای برای دنیای مدرن، ترجمه جعفر نجفی زند، تهران: نشر سازمان یونسکو.
۱۸. لک‌زایی، نجف (۱۳۸۴)، سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی.
۱۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
۲۰. امیری، میثم و رحمانی، تیمور (۱۳۸۵)، بررسی آثار سرمایه اجتماعی درون و برون گروهی بر رشد اقتصادی استانهای ایران، دو فصلنامه علمی- پژوهشی جستارهای اقتصادی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان.
۲۱. ایمان، محمدتقی، مرادی، گل مراد، حسینی رودبارکی، سکینه (۱۳۸۷)، "بررسی تطبیقی سرمایه اجتماعی و سلامت روانی دانشجویان غیر بومی دانشگاه‌های تهران و شیراز"، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۱۴۳-۱۶۹.
۲۲. تنهایی، حسین ابوالحسن، حضرتی صومعه سرا، زهرا (۱۳۸۸)، "بررسی نظری پژوهش‌های سرمایه اجتماعی در جامعه ایران" علوم رفتاری، پاییز.
۲۳. تنهایی، حسین ابوالحسن، حضرتی صومعه سرا، زهرا (۱۳۸۸)، "بررسی نظری پژوهش‌های سرمایه اجتماعی در جامعه ایران" علوم رفتاری، پاییز.



۲۴. خواجه‌دادی، اشکان، شریفیان ثانی، مریم، شیانی، ملیحه، کریملو، مسعود (۱۳۸۷)، "رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت مادران، رفاه اجتماعی"، پاییز و زمستان، دوره ۸، شماره ۴۹، صص ۸۳-۱۰۲.
۲۵. نقیب زاده، احمد و استوار، مجید (۱۳۹۱)، "بوردیو و قدرت نمادین"، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۲، تابستان.
۲۶. میشری، محمد (۱۳۸۷)، "سرمایه اجتماعی چیست"، روزنامه همشهری، سه شنبه ۳۰ مهر ۱۳۸۷، سال شانزدهم، شماره ۴۶۷۹، ص ۱۶.
۲۷. دادگر یداله، نجفی محمدباقر (۱۳۸۵)، "سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در عصر پیامبر اسلام"، مجله اقتصاد اسلامی زمستان، دوره ۶، شماره ۶۰، ۱۳-۳۸.
۲۸. ماجدی سیدمسعود، لهسایی زاده عبدالعلی (۱۳۸۵)، "بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس"، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۳۸۵، ۹، شماره ۴، ۹۱-۱۳۵.
۲۹. موحد مجد، مجید (۱۳۸۲)، "مشارکت سیاسی زنان و عوامل مؤثر بر آن"، مطالعات زنان، سال اول، شماره ۱ دوم، زمستان.
۳۰. شارع‌پور، محمود (۱۳۷۹)، "سرمایه اجتماعی در حال فرسایش است"، کتاب ماه علوم اجتماعی، مهر و آبان ماه.
۳۱. نصرافهانی، علی، انصاری، محمداسماعیل، شائمی برزکی، علی، آقا حسینی، حسین (۱۳۸۸)، "بررسی تحمل و مدارا به عنوان یکی از اجزای سرمایه اجتماعی با تکیه بر دیدگاه سعدی"، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴.
۳۲. چلبی، مسعود و موسوی، سیدمحسن (۱۳۸۷)، "بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان"، جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱ و ۲.
۳۳. باستانی، سوسن (۱۳۸۷)، "بررسی سرمایه اجتماعی شبکه در ۱۰ محله تهران: بررسی جایگاه روابط محلی در شبکه‌های اجتماعی"، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ویژه‌نامه شهر و محله، صص ۵۵-۷۴.
۳۴. زاهدی، محمدجواد، شیانی، ملیحه و علی پور، پروین (۱۳۸۸)، "رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی"، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۹، شماره ۳۲.
۳۵. فتحی، یوسف (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی، رساله برای اخذ درجه دکتری رشته مدرسی انقلاب اسلامی گرایش انقلاب اسلامی، به راهنمایی دکتر محمد رحیم عیوضی، دانشگاه معارف اسلامی.
۳۶. علیوردی نیا، اکبر؛ شارع‌پور، محمود و ورمزیار، مهدی (۱۳۸۷)، "سرمایه اجتماعی خانواده و بهره‌کاری"، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۳۲-۱۰۷.
۳۷. شیخی، غفور و مقوم، سعیده (۱۳۸۷)، "بررسی جامعه‌شناختی نمودهای سرمایه اجتماعی در ایران". سایت: <http://rssyab.ir/exts/ae7d42f5fa1088d95787c73734a32f0f-5/>

#### منابع انگلیسی؛

- Field, John (2003), "Social Copital", London and New York: Routledghe Taylor & Francis Group.
- Fukuyama, Francis (1999), "Social Capital and Civil society", IMF conferences on second Generation Reforms, [www.IMF.com \base\Prepared for delivery at IMF \social capital and civil society. Htm](http://www.IMF.com/base/Prepared%20for%20delivery%20at%20IMF%20social%20capital%20and%20civil%20society.Htm).
- Lin, Nan. (2001) Social Capital: Theory of Social Capital and action, Cambridge: Cambridge University Press.
- Putnam, Robert (2005), " Social Capital: Measurement and Consequences", Kennedy School of Government, Harward University.

- Stone, Wendy (2001)"Measuring Social Capital: Towards a Theoretically Informed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community Life. " Australian Institute of Family Studies Research, Paper No. 24.
- Bourdieu,pier(1985),"the forms of capital",in handbook of theory and research for the sociology of education,ed.JG.Richardson,pp:241-258,New York:Green wood.
- Ritzer, George(1988), "Sociological Theory",United States of America: Alferd A. Knopf, Inc.